

نویسندگان

سال سوم - شماره ۵۶ - شنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

در پس پرده کودتای شاه - آمریکا

کودتای شاه - آمریکا " با حضور مخفیانه یک مقام عالی رتبه آمریکایی در تهران و نتایج مستقیم کاخ سفید و اشکنت انجام شد. به این ترتیب تمدنی نبود که بلافاصله پس از انجام کودتا و روی کار آمدن دولت ژنرال ها، وزارت خارجه آمریکا با گستاخی حیرت انگیزی - علی رغم همه اصول و مقررات بین المللی که دخالت هرکشوری را در امور داخلی دیگرکشورها منع می کند - بدون هیچ پیرایه ای اعلام کرد که دولت آمریکا از دولت جدید نظامی ایران پشتیبانی و حمایت می کند.

در طرح جزئیات پشت پرده کودتای ایالات متحده و چهره شخصی سیاسی به چشم می خورد. یکی از این چهره ها هوشتگ نهاوندی است که در تمامی مراحل طراحی و دفاعی اجرای آن - حتی نوشتن خطی که شاه پس از کودتا از پشت رادیو و تلویزیون خواند - حضور مستقیم داشت، و دومین چهره دکتر علی امینی دلال سیاسی معروف آمریکایی بود که ملاقات او با شاه و مذاکرات سری این دو چند ساعت به طول انجامید. شواهدی که در دست است نشان می دهد که هدف اصلی دولت نظامی فراهم آوردن آن چنان شرایط مساعدی است که دکتر امینی بتواند تکاپو داشته باشد تا شکست دهد. بنابراین دولت نظامی از راهی، طلبی و دولت نیمه آمریکایی امینی خواهد بود که به خیال خود می خواهد با تنی چند از شخصیت های ملی که در این کابینه جای می زند، سیاسی واقعی آن را بشناسد. اما حوادث نشان خواهد داد که پیش بینی قبلی ما درباره سرنوشت محتمل حکومت شاه بر توده حرکت های عینی جامعه و جزو مدهای سیاسی اجتناب ناپذیر آری برهه به برهه در دست است. ما در گذشته با راه های تأکید کردیم که حتی آزادی های نیم بند در ظرفیت رژیم شاه که بنیادهای ضد دموکراتیک آن نظیر ساواک و ارتش و دادگاه های نظامی و دربار و غیره دست نخورده باقی مانده اند، نیست و با طبیعت چنین نظام کرم خورده آذوقه و ضربت خورده از بیرون سازگار نیست. کودتای شاه آخرین ضربه و برای اساقی سلطنت استبدادی است. اگر سرنیزه آزاری که با زور امیرالیاس امیرالیاس آن راه حرکت در آورده است کاری از پیش نبرد نمی برد - شاه جزو زبانه های تاریخ که منتظر سرنوشتی سریع و سلطنت قرون وسطایی اوست، هیچ معادگی می ندارد.

نظرات خونین شهرها با صد هاشید و مجروح

دولت نظامی با جنابیات و خونریزی های شاه می کودتا پایه های لرزان رژیم گنبدی شاه را محکم کند. هنوز چند روزی از تشکیل دولت ژنرال ها نگذشته که جوی های خون در کوچه و خیابان شهرها مختلف به راه افتاد. اما سانسور شدیدی که بر رادیو و تلویزیون حاکم است و تنگنای روزنامه ها، مانع از آشناسی تا خونریزی های جدید و مسابزه سنگینی ناپذیر مردم در گوشه و کناره کشور، طنز و استعجابی می آید.

بر اساس گزارش خبرنگاران نوید از تهران و شهر های مختلف تنها در سه روز اول عمده دولت نظامی " شاه - آمریکا " پیش از مدتی از آزادیخواهان کشته و صدها نفر مجروح شده اند. در تهران در اولین و دومین روز کودتا ۵ نفر در نظرات خونین نسازی آباد، و سه نفر در نظرات خونین شاپور، چهار نفر در نظرات خونین شیراز و سه نفر در نظرات خونین تبریز برآکنده در نقاط مختلف شهر، شهید شدند.

همین گزارش ها تعداد شهدای نظرات و مبارزان شمشیرزانه مردم قم را ۵ نفر، مردم زنجان را ۷ نفر، مردم همدان را ۲۵ نفر ذکر کرده است. بلافاصله پس از اعلام تشکیل دولت نظامی مدها هزار نفر از مردم آمل به عنوان اعتراض به تجاوز جدید شاه به حقوق مردم به خیابانها ریختند و دست به تظاهرات با شکوهی زدند. آنها در تظاهرات پر از خشم و طغیان خویش فریاد می زدند:

" تا شاه کفن نشود - این وطن وطن نشود "

در همدان بیش از ۱۰۰ هزار نفر شرکت کرده است. خیابانها و محلات شهر را در غریب شمارهای سوزان و افتابگردانها برداشتند. مردم دلیر همدان بروی پلاکات هایی که با خود حمل می کردند، پیام عبرت انگیز و آموخته های رانقش زده بودند:

- ما از حکومت آموختیم که امروز با جواب به نظرات و تنبیهات و فرودها مسلسل ...

با کودتا در کودتای شاه چگونه مقابله کنیم؟

شاه آخرین تیر ترکش را راه کرد. کودتا در کودتای او در عین حال که اعتراف مریخی به شکست همه ادعای تفرعن آمیز و خیمه شب بازی درباری " گشایش فضای سیاسی کشور " است اعلان جنگ مستقیمی به مردم است به مردمی که بارها پیمایی ها و نظرات میلیونی در سراسر کشور به زور و رای دادند و در زیر باران گلوله و در میان سیلاب های خون، در کارخانه و دانشگاه، در بازارها و مساجد و ادارات، در مدارس و در قهوه خانه ها، عزم خود را بر آن داشتند که مبارزه را سرنگونی بناستند تا محکوم مل بساط فدخلتی سلطنت تا کید کردند و بسا اعتصابات سراسری صنفی و سیاسی توانایی انقلابی و آمادگی رزمی خود را برای فلج کردن ماشین دولتی به ظهور رساندند. شاه با زور کار آوردن یک دولت نظامی از عریک های انقورم پوش کلکسیون شخصی خود، با اشاره و ولادید مستقیم امیرالیاس امیرالیاس، جواب جنبشی را که در مقیاس تمامی ملت پایان دوران اختناق آریا میری و سرگردی تنقیر آمیز به امیرالیاس امیرالیاس و سلولهای خود فریاد می کشید، با دهن کجی لوجانه ای داد. ملت با دهها میلیون دهان گفت: " تو سرچشمه و مظهر تمام تنبیه ها، درندگیها، بی رحمتی ها، شکنجه ها، تاراج ثروت های ملی، فساد سیاسی و اقتصادی فرهنگ، به هدر رفتن طلاهای ترین سالهای تاریخ معاصر این کشور، توبت دروغ و مجسمه خون و طغیانی، تا توانی تنخوری از استقلال میهن می توانی مطر چرباند و نه گنبدین آمیدی به بازگشت آزادی و شگفتایی ملی. ما ترا نمی خواهیم، تو دشمن مایی. ما شاه نمی خواهیم، بتولگدسال کننده شاه تاب ترین شقایق های ما، قاتل بی رحم شریف ترین و آزادیخواه ترین فرزندان مایی. ما شاه را با دغا تمام علی بادین ژنرال ها و میر غضب های خود پاسخ گفت. او گفت: " من خواهم مانده چه شما خواهید، نه نخواهد."

در این پاسخ مستبدانه، آموزشی وجود دارد که اگر چه از نظر تاریخی تازه نیست و تکراری است، اما از لحاظ سیاسی، در این لحظه از مبارزات اوج گیرنده انقلابی مردم میهن ما، حائز اهمیت و توجه بسیار است. شاه در روشی که برای تحصیل رژیم خود انتخاب می کند، روشی را که با بدبختی مردم به آن رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک سرنگون شده بود مبارزان نشان می دهد. او با انتخاب گلوله و سرنیزه، با مایت خود و اعتبار آن دموکراسی مقدمه ماندند و با اعتمادی که در ابتکار خود به مردم می دهد و نیز میزان علاقه و احترامش را به قانوک در ماه های اخیر آن همه عوام فریبانه از آن دم زد، برای عقب مانده ترین قشرهای اجتماعی روش ساخت. او نشان داد که نظروای مردم - حتی اکثریت قاطع نزدیک به اتفاق آنها را - آنجا که با منافع واقعی و بنیادی رژیم او در تضاد است، خود سران زیر پای می گذارد و چگونه بی مهابا و بدون کمترین تأخیر و تردید علیه آن قیام می کند.

نقشه از پیش طرح شده، روی کار آوردن یک دولت نظامی - که ما بارها در چند ماه گذشته قریب الوقوع بودن آن را هشدار دادیم - با دسیسه چینی رسوایی به مرحله اجرا درآمد. روزنامه گذشت - کمی از ظهر گذشته - دانشگاه تهران توسط ایادی دولتی که امنیت حرم دانشگاه را تضمین کرده بود به طور غیرمنتظره ای گلوله باران شد. به خون صید شده ها دانش آموز و دانشجو در جریان این بورش و وحشیانه، موجی از خشم و عیان برانگیخت و به دنبال آن نظرات پرغروش دانشجویان در حالی که با موقوف توده های مردم گره خورده بود، به خیابان ها کشیده شد. از عمر روز شنبه تا شامگاه یکشنبه چماق داران در اوردند و توده های ساواکی در نظرات و نمایان اعتراضات و محکوم کننده مردم که در شمارهای سوزان خود شاه و اربابان امیرالیاس است از آماج قرار می داد، حمله به مؤسسات و آتش زدن نقاط مختلف شهر، حتی مطب باره ای از بیژنکان، مغازه ها و تومبیل های مردم را آغاز کردند و نیروهای پلیس و حکومت نظامی به صورت تماشاگر کما حق می شوق، به این آتش دا می زدند. ساواک در این توطئه، شبه کارانه روی چندتا مل حساب می کرد:

۱- خشم و نفرت عمومی علیه رژیم و بیگانه ها و تاسیسات وابسته به آن و مظاهر سرمایه داری استعمارگروا بستگی های امیرالیاسی - استفاده از این انزجار رطفیان آ میز برای گسترش خرابکاری رو آتش سوزی عمدی در سطح شهر;

۲- سابقه حمله به بعضی سینماها و بانک ها توسط گروه های عامیانه و تظاهرات گانگ، به مناسبت پوششی برای کلیه ویرانگری های عمدی و تاراج و

با گسترش اعتصابات و نظرات سیاسی، بر توان جنبش انقلابی بیافزاییم

دنه در منته